

مطالعه تطبیقی تعهد ایمنی در حقوق ایران و فرانسه

رضا خشنودی*

دکتری حقوق خصوصی، مدرس مدعو دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۹

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۰

چکیده

حمایت از حقوق مصرف‌کننده از ضروریات جامعه امروزی است. انگیزه اصلی پیدایش این دیدگاه فراهم کردن شرایط مناسب برای تضمین حق بهره‌مندی از کالا و خدمات سالم، حق برخورداری از اطلاعات، حق انتخاب و ... است. متأسفانه در نظام حقوقی ما مقررات خاصی که به‌روشنی این حقوق را تعریف و تضمین کند وجود ندارد، لکن در ضرورت تبیین و پذیرش آن‌ها نباید تردید کرد. در این وضعیت، داشتن قانونی خاص که از جنبه‌های مختلف و در فضایی منطقی، رابطه میان مصرف‌کننده و «حرفه‌ای» را تعریف کند آرزویی است که تحقق آن دور از انتظار نیست؛ اما تا رسیدن به آن، رویه قضایی و دکترین می‌تواند با روشنگری و درایت و با الهام از دیگر نظام‌های حقوقی هم‌خانواده، قوانین موجود را به گونه‌ای تفسیر کند تا خلأ مشهود را پر کند؛ کاری که رویه قضایی فرانسه پیش از تصویب قانون مصرف خود و اصلاح قانون مدنی در سال ۱۹۹۸ انجام داد.

در هر حال از میان حقوق مصرف‌کننده، دو حق بهره‌مندی از کالا و خدمات سالم و حق برخورداری از اطلاعات درست و روشن که وجه دیگر آن‌ها «تعهد ایمنی» و «تعهد اطلاع‌رسانی» است، نقش برجسته‌تری دارند.

به همین جهت در این مقاله شرایط و چگونگی ایجاد تعهد ایمنی در دو نظام حقوقی ایران و

فرانسه بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: تعهد ایمنی، محصول معیوب، حمایت از مصرف‌کننده، عیب تولید، مسؤلیت مدنی، مسؤلیت جزایی.

۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های اساسی در هر نظام حقوقی، چگونگی تنظیم روابط اجتماعی برای تسهیل تحقق آرمان‌های مشروع بشری است. نیل به اهداف و خواش‌های همه، وقتی که سود هر یک ملازمه با زیان دیگری دارد، امری محال و آرزویی دست نیافتنی است. برای گریز از نابسامانی و جمع عادلانه خواهش‌ها ابزاری لازم است تا به کمک آن بتوان شرایطی فراهم آورد که هر کس بتواند از آنچه هست به گونه‌ای بهره‌مند گردد که به فنای دیگری نینجامد. در این میان، بدون تردید قانون ابزار مناسبی است برای تنظیم روابط اشخاص و تضمین بقا و دوام یک همزیستی مسالمت‌آمیز و به آن احساس نیاز می‌شود. به منظور تدوین نظام حقوقی حاکم بر رابطه میان مصرف‌کننده و حرفه‌ای در حقوق داخلی، می‌توان از تجارب و نقاط مشترک نظام‌های حقوقی هم‌خانواده مثل فرانسه بهره جست.

به هر تقدیر، رشد روز افزون دانش و فناوری، علاوه بر دستاوردهای غیر قابل انکاری که به ارمغان آورده موجب پیچیدگی روابط اجتماعی نیز شده است. تجارب گذشته بیانگر این واقعیت است که هرگاه محصول جدیدی عرضه می‌شود برای استفاده-کننده یا اشخاص دیگر مخاطراتی به وجود می‌آورد که امکان پیشگیری از آن در بادی امر غیر ممکن است. از طرفی حفظ آرامش و حق حیات مصرف‌کننده نیز یکی از ارزش‌های والای انسانی است که از طریق پیشگیری بهتر از جبران خسارت [۱، ص ۱۷] می‌توان از آن حمایت کرد.

گذشته حکایت از این دارد که با انقلاب صنعتی و گذر از جامعه کشاورزی به صنعتی

و افزایش تولید محصولات، آمار تلفات ناشی از حوادث ناشی از کار [۲، ص ۲۵] و وسایل نقلیه به شکل غیرمنتظره‌ای افزایش یافت. دعاوی مطروح از جانب زیاندیدگان نیز به علت ناکارآمدی نظام مسؤلیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر و به جهت ناتوانی خواهان در اثبات ادعا منتهی به نتیجه مطلوب نمی‌شد. این امر موجب شد تا اندیشمندان برای رفع مشکلات و موانع موجود تدابیری بیندیشند.

با الهام از نظریه‌های ارائه شده توسط حقوقدانان برجسته نظیر ژسران^۱ و سالی^۲ و ایرادات وارد بر نظریه تقصیر توسط دیگران [۳، ص ۱۴]، سرانجام دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۱۱ برای اولین بار تعهد ایمنی به نتیجه را در قراردادهای حمل و نقل به رسمیت شناخت.^۳

در این شرایط، تعهد ایمنی به‌عنوان تعهدی ضمنی و تعهد به نتیجه پا به عرصه وجود نهاد. با شناسایی تعهد ایمنی در قراردادهای کار و حمل و نقل، در گام بعدی سعی شد تا شروط و تعهداتی به نفع طرف ضعیف در قرارداد گنجانده شود. این اقدام، به رغم سودمند بودن برای حمایت از مصرف‌کننده با ایراداتی همراه بود. از جمله این‌که او نمی‌توانست تسلیم اراده طرف غالب قرارداد نشود یا در زمان انعقاد قرارداد تمام جوانب و نتایج آن را پیش‌بینی کند. به‌علاوه، دایره این تعهد فقط به طرفین قرارداد محدود می‌شد و زیاندیدگان خارج از روابط قراردادی را در بر نمی‌گرفت. بنابراین، حمایت همه‌جانبه از مصرف‌کننده دامنه‌ای گسترده‌تر از قواعد عام مسؤلیت مدنی و قواعد عمومی قراردادها می‌طلبید.

به همین جهت از نیمه دوم قرن بیستم، حقوق مصرف به طور جدی به‌عنوان یکی از

1. Louis Josserand

2. Raymond Saleilles

۳. اولین رأی صادر در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱ در دعاوی معروف Zabidi علیه متصدی حمل و نقل صادر شد. در این پرونده به رغم این‌که وسیله حمل فاقد نقص فنی تشخیص داده شد، دیوان عالی کشور فرانسه خوانده را به جبران خسارت وارد به مسافری که در حین پیاده شدن از کشتی زخمی شده بود محکوم کرد. هدف از پذیرش این دعوا یافتن راه حل مناسبی برای تسهیل بار اثبات دعاوی جبران خسارات وارد به زیاندیدگانی بود که توانایی اثبات تقصیر طرف قرارداد خود را نداشتند [۴].



اساسی‌ترین مباحث حقوقی، مورد توجه بیش‌تر نظام‌های حقوقی دنیا قرار گرفت. در این زمینه عوامل متعددی نقش داشته است. اصول و مبانی نظری طرفداران مکتب حقوق طبیعی و فردگرایی که مورد نقد و انکار مخالفان قرار گرفته بود بار دیگر الهام‌بخش جنبشی شد که در مقام حمایت از مصرف‌کننده^۱ برآمد. هدف این بود تا مصرف‌کننده پیش از آن‌که به جهت استفاده از محصول معیوب زیانی ببیند به بهترین نحو ممکن در مقابل «حرفه‌ای» مورد حمایت قرار گیرد [۵، ص ۱۳]. بدین منظور حقوقی برای او از قبیل بهره‌مندی از کالا و خدمات سالم، داشتن اطلاعات ضروری، داشتن حق انتخاب و داشتن فرصت مناسب برای فکر کردن، حتی پس از خرید و تحویل گرفتن کالا، تسهیل راهکار دریافت اعتبار ... در نظر گرفته شد [۶، ص ۴۸].

این بار سعی شد تا خود مصرف‌کننده با آگاهی از وجود چنین حقوقی، خواهان^۲ اجرای آن‌ها باشد. باور جمعی این بود که او بهتر از هر شخص دیگری می‌تواند در پی استیفای حقوق خود باشد؛ لکن اجرای این مهم منوط به آموزش و آگاهی‌بخشی او و امکان دسترسی به اطلاعات صحیح و شفاف بود. بدین نحو به وجود نهادهای رسمی دولتی و شبه‌دولتی بیش از پیش احساس نیاز شد. سازمان‌های حمایت‌کننده یکی پس از دیگری قد برافراشت تا زمینه تدوین قوانین و مقرراتی که تضمین‌کننده شفافیت و درستی اطلاعات ارائه شده بود فراهم آید. بدین‌سان تبلیغات دروغین و اغواگری و رقابت نامشروع جرم تلقی و سعی شد با باطل اعلام کردن شروط تحمیلی، نابرابری موجود میان مصرف‌کننده و حرفه‌ای‌ها در هنگام انعقاد قرارداد رفع شود و در دعوی مطالبه خسارت، علاوه بر طرفین قرارداد، زیان‌دیده نیز بتواند به تقصیر طرف حرفه‌ای استناد کند.

وانگهی قواعد کلی نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر نیز بدون انجام اصلاحاتی نمی‌توانست حق ایمنی زیان‌دیده را تضمین کند؛ زیرا براساس قواعد کلی، در هر دعوی

1. *consomérisme*
2. *Consommateur exigeant . demanding consumer*

مسئولیت مدنی، مدعی بایست ورود ضرر، تقصیر خواننده و رابطه سببیت بین آن دو را اثبات می‌کند؛ امری که تحقق آن چندان آسان نبود و قصه دیگری بود که بر غصه حامیان مصرف‌کننده افزوده شد.

برای رفع این موانع ابتدا نظریه «فرض تقصیر» حرفه‌ای‌ها، در صورتی که تولیدات آن‌ها زیانی به بار می‌آورد مطرح شد. دیری نپایید که اندیشمندان دریافتند که بدین گونه نمی‌توان مصرف‌کننده را در برابر خطرهایی که دنیای صنعتی برای او به ارمغان آورده است حمایت کرد؛ زیرا تولیدکننده که از علوم و فنون روز بهره‌مند بود به‌سادگی می‌توانست ثابت کند تمام احتیاطات لازم را به کار گرفته است و محصولاتی که تولید کرده نمی‌توانسته بهتر از «آن» باشد که هست. هرچند نظریه تقصیر مفروض اقبالی نیافت، ولی رویه قضایی به پذیرش مسئولیت نوعی سازنده کالای معیوب براساس تئوری «مسئولیت ناشی از اشیا» تمایل پیدا کرد^۱ [۷] تا خواهان از آن پس نیازی به اثبات تقصیر خواننده نداشته باشد [۸، ص ۲۶۱].^۲ بدین نحو اندیشه «مسئولیت نوعی» مطرح گشت تا نویدبخش‌هایی زیان‌دیده از بار اثبات تقصیر خواننده دعوا باشد. در نتیجه، اگر خواننده تأثیر علت خارجی را اثبات نمی‌کرد مسئولیت او مفروض بود [۹، ص ۴۷۹].^۳ ولی از مفهوم «شیء» و «نگهدارنده» تعابیر مختلفی شد و ایراداتی را نسبت به این نظریه برانگیخت.

پس لازم آمد تا در این منظومه طرحی نو اندیشیده شود. این بار «ایمنی کالا» ضابطه ارزیابی قرار گرفت. براساس این دیدگاه، آنچه جبران خسارت مصرف‌کننده را اجتناب ناپذیر می‌سازد این است که تولیدکننده کالایی را عرضه کرده که ایمنی مورد انتظار مشروع و متعارف مصرف‌کننده را برآورده نمی‌کند. در این مرحله «عیب» از مفهوم سنتی خود فاصله گرفت و به گونه دیگری تعریف شد و «تقصیر» نیز دیگر به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی تلقی نمی‌شد تا عدم اثبات آن، منتهی به معافیت «حرفه‌ای» از جبران خسارات زیان‌دیده شود.

1. General Motors Products of Canada Ltd v. Kravitz [1979] 1 R.C.S. 790.
2. 2erCiv. 5 janvier 1956, Oxygène liquide.
3. 1erCiv. 12 nov. 1975.



بدین‌سان تعهد ایمنی نه به‌عنوان یک تعهد به وسیله ویا فرعی، بلکه به‌عنوان یک تعهد به نتیجه و مستقل و تضمینی مناسب برای حمایت از تمامیت جسمانی اشخاص مورد شناسایی قرار گرفت و جریان تکامل به جایی رسید که امروزه در حقوق فرانسه این اندیشه قوت گرفته که در بعضی از موارد خاص، وجود رابطه سببیت قطعی بین فعل زیانبار و خسارت ضروری نیست [۱۰، ص ۳۵۳]. در این‌گونه موارد اثبات معیوب بودن محصول و تحقق ضرر پس از استفاده از آن برای محکومیت خواننده به جبران خسارت زیان‌دیده کافی است. در این‌گونه موارد، وجود رابطه سببیت مفروض است^۱ [۱۰، ص ۸۴؛ ۱۱، ص ۲۴].

در نظام قضایی ایران راهکار مناسب برای حفظ ایمنی و حقوق مصرف‌کنندگان به گونه شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. رویه قضایی نیز تاکنون نتوانسته به‌روشنی نقش خود را ایفا کند. این امر ناشی از علل مختلفی است که طرح آن‌ها در این مجال میسر نیست. به هر حال، ذکر دو مطلب ضرورت دارد: آن‌گونه که شایسته است مصرف‌کننده به حقوق خود آگاهی ندارد و در بیش‌تر موارد تحمل خسارت وارد، به‌ویژه در جایی که میزان آن اندک است برای او آسان‌تر از طرح دعوایی است که امیدی به سرانجام آن ندارد. از طرف دیگر، دادگاه‌ها هم به علل متعدد، مثل نبود نص قانونی صریح و رویه قضایی پیشگام در حمایت از حقوق مصرف‌کننده، تاکنون نتوانسته‌اند به گونه‌ای که انتظار می‌رود در دعاوی ناشی از نقض تعهد ایمنی ایفای نقش کنند.

بدون شک، همان‌گونه که تأمین ایمنی مصرف‌کننده ضروری است حفظ امنیت قضایی صاحبان حرف نیز اجتناب‌ناپذیر است. لزوم تبیین روابط میان این دو به منظور فراهم ساختن شرایطی که در آن حقوق هریک به‌خوبی حفظ شود بر کسی پوشیده نیست.

نظام حقوقی نیز وقتی کامل است که در آن، حقوق و تکالیف تولیدکننده و مصرف‌کننده به‌روشنی تبیین شده باشد. پس در فرضی که مسؤلیت تولیدکننده «نوعی» است و تقصیر نقشی در محکومیت یا رهایی او ندارد ویا در جایی که ندای وجدان او را مسؤول

1. 1^{er} Civ, 21 mars 2006.

نمی‌شناسد نباید این تکلیف بر دوش او سنگینی کند. توانایی تولیدکننده در شناسایی عیوب تولید، محدود به یافته‌های علمی زمان تولید است [۱۲ ص ۲۴]. عیب کالایی را که دانش بشری از کشف آن عاجز است چگونه می‌توان به حساب تولیدکننده گذاشت و او را مسؤول زیانی پنداشت که علتش هنوز مجهول است. عدالت اقتضا می‌کند آن‌جا که شایسته است به ندای درون پاسخ داد و به علل و جهاتی که می‌تواند در این خصوص مؤثر واقع گردد توجه شود تا رشد تحقیقات علمی و رونق و شکوفایی اقتصادی دستخوش این بازی قرار نگیرد. بنابراین، آنچه لازم است در بادی امر بدان پرداخته شود پاسخ به این سؤال است که تولیدکننده چه تعهداتی، به منظور آگاهی‌بخشی و حفظ سلامت مصرف‌کننده در قبال او دارد.

از این منظر، دو نوع تعهد بیش از همه رخ می‌نمایند: تعهد ایمنی و تعهد به اطلاع‌رسانی. در این مجال سعی خواهد شد تا ضمن بررسی تعهد ایمنی در حقوق فرانسه، بیان شود که با توجه به وضعیت حاکم در نظام حقوقی ما، آیا می‌توان وجود چنین تعهدی را مستقلاً به رسمیت شناخت و یا آن را از عموماً قانونی استنباط کرد. به همین جهت ابتدا مفهوم تعهد ایمنی و گستره آن و سپس ضمانت اجرای عدم ایفای آن در دو نظام حقوقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم تعهد ایمنی

منظور از ایمنی، وضعیتی است که در آن شخص یا اموال او در معرض خطر نباشد. مفهوم حقوقی ایمنی از برداشت عرفی آن دور نیفتاده است. بنابراین دو رکن اصلی فقدان ایمنی از دیدگاه حقوق مصرف عبارتند از وجود عیب یا نقص محصول و نتایجی که از آن حاصل می‌شود.

براساس یک مفهوم سنتی [۱۳، ص ۲۶۳] منظور از تعهد ایمنی، تعهدی است که به موجب



آن، متعهد علاوه بر این که ملزم به ایفا تعهداتی است که به موجب قرارداد بر عهده گرفته^۱، مکلف است خساراتی را هم که به مناسبت عمل او به متعهدله یا دیگران وارد می شود جبران کند.

هرچند تعهد ایمنی ابتدا در قرارداد حمل و نقل مورد شناسایی قرار گرفت، ولی تجربه نشان داد که دامنه آن گسترده تر از آن است که بتوان آن را به قرارداد حمل و نقل [۱۴، ص ۱۱۸۴؛ ۱۵، ص ۸۷] و یا صرفاً به یک رابطه قراردادی خاص محدود کرد.^۲

در حقوق فرانسه گسترش تعهد ایمنی به سایر حوزه ها [۱۶، ص ۱۱۸۴]، مرهون روشنگری های اندیشمندان [۱۷، ص ۱۴؛ ۱۸، ص ۴۴۹؛ ۱۹، ص ۴۲] و نوآوری های رویه قضایی است. وجود چنین تعهدی در سال ۱۹۶۴ در عقد بیع نیز مورد تأیید قرار گرفت [۲۰]. تعهد ایمنی پزشک در مقابل بیمار در خصوص وسایلی که مورد استفاده قرار می داد تعهد به نتیجه تلقی شد [۲۰].^۳

نقش قانونگذار فرانسوی در شناسایی تعهد ایمنی را نباید انکار کرد. اولین قانونی که ایمنی مصرف کننده را مورد تأکید قرار داد قانون ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ بود که به منظور پیشگیری از ورود خسارات ناشی از کالا، دادن اطلاعاتی از قبیل خصوصیات کالا، چگونگی استفاده و خطرهای احتمالی ناشی از آن را الزامی و شرایط عرضه و نیز جمع آوری و معدوم کردن محصولات که خطرناک تشخیص داده می شد را تعیین کرد. دومین مقرر که تعریف روشنی از تعهد ایمنی ارائه کرده قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳ است که به موجب آن، کالایی که ایمنی مورد انتظار مشروع مصرف کننده را تأمین نکند

۱. دیوان عالی کشور فرانسه در رأی در سال ۱۹۱۳ با استناد به ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی تصریح کرد که تسلیم بلیت به مسافر بدون نیاز به هیچ شرط صریح دیگری متضمن تعهدی است که به موجب آن، شرکت حمل و نقل را متعهد به انتقال مسافر در کمال صحت و سلامت می کند. بنابراین، مصدوم شدن مسافر در طول سفر برای اثبات عدم ایفای تعهد کافی است.

۲. بر همین اساس هتلداران و رستورانداران و عرضه کنندگان مواد خوردنی و آشامیدنی مسؤول سلامت مشتریان خود در مقابل محصول عرضه شده و نیز حوادث واقع در محل فعالیت خود هستند.

3. 1erCiv, 9 nov.1999, n° 98-10.010.

معیوب تلقی و عرضه آن ممنوع است. مقررات مزبور بعدها در مواد ۲۲۱ تا ۲۲۵ قانون مصرف مصوب ۱۹۹۴ منعکس شد. بر این اساس تعهد ایمنی چهره نوعی به خود گرفت و به یک تعهد کلی^۱ و عام تبدیل و به موجب آن تولیدکننده در برابر همگان مسؤول جبران کلیه خسارات ناشی از عیب کالای خود شناخته شد. رویه قضایی، با در نظر گرفتن جریان تکامل تعهد ایمنی، یک قاعده کلی بنا کرد که به موجب آن حرفه‌ای‌ها متعهد شدند صرفاً کالایی که سلامت سایرین را تهدید نمی‌کند عرضه کنند [۵].^۲

هرچند کشور فرانسه دستورالعمل شماره ۳۷۴/۸۵ مصوب ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ اتحادیه اروپایی درخصوص مسؤولیت ناشی از تولید کالای معیوب را بنا به دلایلی^۳ با ۱۳ سال تأخیر پذیرفت، ولی دیوان عالی این کشور با الهام از مقررات یاد شده و با روشنگری تحسین برانگیز نظام مسؤولیت مدنی ویژه محصولات معیوب را پیش از اصلاح قانون مدنی تأسیس کرد. بدین جهت، نظام مسؤولیت مدنی ناشی از عیب تولید در حقوق فرانسه، با در نظر گرفتن تاریخ پیوستن به آن در ۱۹ می ۱۹۹۸ متعدد است.^۴

بدون شک نظام مبتنی بر رویه قضایی، برای زیان‌دیده به مراتب مساعدتر از نظام مبتنی بر دستورالعمل اتحادیه اروپایی است؛ زیرا برخلاف نظام اتحادیه که مسؤولیت عرضه‌کننده را تابع شرایط خاصی می‌داند، رویه قضایی قبل از پیوستن فرانسه به دستورالعمل، تفاوتی از این حیث بین تولیدکننده و عرضه‌کننده قائل نبود. بنابراین کلیه زیان‌دیدگان، صرفنظر از وجود رابطه قراردادی با تولیدکننده، می‌توانستند علیه کلیه اشخاصی که در چرخه تولید یا توزیع فعالیت می‌کردند طرح دعوا کنند. در هر حال، دامنه

1. L'obligation générale de sécurité the general security obligation
2.Civ.11 juin 1896, S. 1897.

۳. علت اصلی عدم اقبال فرانسویان به دستورالعمل یاد شده این بود که نظام مسؤولیت مدنی مبتنی بر رویه قضایی حاکم در حقوق فرانسه از جهات مختلف برای زیان‌دیده مساعدتر از مقررات اتحادیه بود.

۴. دعاوی مربوط به خسارات قبل از الحاق فرانسه به دستورالعمل اتحادیه اروپا به استناد ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی و پس از آن براساس ماده ۱-۱۳۶۸ طرح می‌شود.

این تعهد به نفع اشخاص ثالث خارج از قرارداد گسترش داده شده است و تفاوتی از این حیث بین زیاندیدگان وجود ندارد.

همان‌گونه که ملاحظه شد به منظور ارائه پاسخی قاطع به این سؤال که آیا عرضه‌کننده به تعهد ایمنی خود عمل کرده است یا خیر و این‌که محدوده این تعهد تا کجا است به جای استناد به وصف محصول که امری درونی، یا توانایی متعهد که امری شخصی است، باید به ارتباط بین مفاهیم عیب و ایمنی توجه شود. بنا بر آنچه گفته شد تعهد عرضه‌کننده تنها به تسلیم مبیع محدود نمی‌شود، بلکه او باید در اجرای قرارداد، کالایی را تحویل دهد که نه‌تنها منطبق با استانداردها و قصد مشترک طرفین^۱ است، بلکه خساراتی را هم وارد نکند.

به همین جهت در حقوق فرانسه به رغم گستردگی مفهوم عیب در ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی در بحث مربوط به عیوب مخفی، در ماده ۴-۱۳۸۶ کالایی که ایمنی مورد انتظار متعارف مصرف‌کننده را تأمین نکند معیوب شمرده شده است.

در حقوق ایران براساس تعریف ارائه شده در بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵) عیب عبارت از زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد. ولی عبارت به کار برده شده در ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو با تعبیر دیگری از عیب، آن را شامل هرگونه نقص ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید، یا حمل که مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی آن شود می‌داند.

اصطلاح عیب در این تعابیر، هرچند از مفهوم سنتی رایج که آن را عبارت از فزونی و کاستی شیء از اصل خلقتش می‌داند فاصله گرفته، ولی با تعریف عیب در حقوق فرانسه متفاوت است. البته در ماده ۴۲۶ قانون مدنی، تشخیص عیب به عرف واگذار شده که می‌تواند تا اندازه‌ای نقص مقررات یاد شده را جبران کند؛ زیرا کالایی که ایمنی مورد انتظار مصرف‌کننده را تأمین نمی‌کند عرفاً معیوب تلقی می‌گردد، هرچند نقص ارزش نداشته

1. L'obligation de conformité

باشد و یا حتی با رعایت کلیه استانداردها تولید شده باشد. با این برداشت از عیب، به رغم ایرادات مذکور، در حقوق ما نیز کالایی که ایمنی مورد انتظار مصرف‌کننده را تأمین نمی‌کند معیوب است.

۳. گستره تعهد ایمنی

براساس قاعده کلی، محدوده تعهد را می‌توان از طریق شناسایی طرفین و موضوع آن شناخت. در نتیجه، تعهد ایمنی را می‌توان به اعتبار اشخاصی که موظف به ایفای آن هستند و اشخاصی که نقض این تعهد به آن‌ها حق می‌دهد خسارت وارد را مطالبه کنند مشخص کرد. ماده ۱۳۸۶-۱ قانون مدنی فرانسه تولیدکننده را مسؤول جبران زیان وارد به مصرف‌کننده می‌داند، اعم از این‌که بین آنان رابطه قراردادی وجود داشته باشد یا خیر. در نظام حقوقی ما، به رغم این‌که تولیدکننده مسؤول صحت و سلامت کالا است به جهت فقدان نظام ویژه مسؤولیت ناشی از عیب تولید، در صورت ورود خسارت باید به قواعد کلی مسؤولیت مدنی مراجعه کرد. بدون تردید، مسؤولیت یاد شده محدود به تولیدکننده نمی‌شود؛ زیرا علاوه بر او، اشخاص دیگری هستند که به اعتبار دخالتی که در عرضه کالا و خدمات دارند می‌توانند از ورود زیان به مصرف‌کننده پیشگیری کنند. در بند ۲-۱ از ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده به جای «تولیدکننده» از واژه عرضه‌کننده که عمومیت بیشتری دارد استفاده شده و بدین شکل دایره شمول مصادیق مسؤولان به نحو قابل قبولی گسترش یافته است؛ زیرا عرضه‌کننده شامل کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات است. البته ایراداتی به قانون ما وارد است که طرح همه آن‌ها از حوصله این بحث خارج است و به ذکر دو نکته اکتفا می‌شود: این‌که این قانون مسؤولیت اشخاص مزبور را تضامنی نمی‌داند و در نتیجه، دامنه مسؤولیت محدود به یکی از اشخاص مذکور خواهد بود. این وضعیت به نفع مصرف‌کننده نیست؛ زیرا تنها در فرض مسؤولیت تضامنی می‌توان به کلیه مدیونین تعهد ایمنی مراجعه کرد. در این صورت، اعسار تولیدکننده یا



عدم شناسایی او مانع جبران خسارات نمی‌شود. همچنین به مسئولیت دارندگان علائم تجاری که نه تولیدکننده‌اند و نه توزیع‌کننده، ولی نام یا علامت تجاری آن‌ها روی محصول درج شده، اشاره نمی‌کند. به رغم اطلاق که مقرر شده دارد در این‌که می‌توان دارنده علامت تجاری را نیز مانند حقوق فرانسه، تولیدکننده تلقی کرد و مسئول شناخت نباید تردید کرد.

در ماده ۶-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه کسی که تولید مواد اولیه، ساخت محصول نهایی، یا قطعات به کار رفته در آن را حرفه خود قرار دهد، یا با درج نام، علامت تجاری، یا هر علامت مشخصه دیگر روی محصول، خود را تولیدکننده معرفی، یا مبادرت به واردات کالا یا توزیع آن در بازار اتحادیه اروپا کند، تولیدکننده محسوب می‌شود.

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که آیا مسئولیت توزیع‌کننده و فروشنده نهایی نیز همانند تولیدکننده نوعی است یا مبتنی بر تقصیر ایشان است؟ در این‌که توزیع‌کننده نیز همانند سایر اشخاص در عرضه کالا نقش دارد تردید نیست؛ ولی باید انصاف داد که چگونه می‌توان او را که فروشنده‌ای بیش نیست و نقشی در طراحی و ساخت کالا ندارد و از عیوب پنهان و نتایج ناخواسته حاصل از استفاده آن هم بی‌اطلاع است ضامن سلامت محصول دانست.

وانگهی مقررات حاکم بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده در صورت تعدد مسئولان، درخصوص این‌که سهم هریک از آنان از خسارت وارد چه مقدار خواهد بود و مسئولیت چگونه بین آن‌ها تقسیم می‌شود، ساکت است. در نظام حقوقی ما نص صریحی که توزیع‌کننده را با تولیدکننده مسئول تضامنی زیان وارده بدانند وجود ندارد^۱. رویه قضایی نیز تاکنون مجال این را نیافته تا در این خصوص اظهارنظر کند، لکن به نظر می‌رسد بر فرض تحقق شرایط، بتوان او را براساس قانون مدنی یا قانون مسئولیت مدنی و

۱. در اکثر نظام‌های حقوقی، با گسترش دامنه تعهد ایمنی به این اشخاص که در حکم تولیدکننده هستند و ایجاد مسئولیت تضامنی بین آنان، گام مؤثری در جهت تسهیل جبران خسارت وارد به مصرف‌کننده برداشته‌اند تا عدم شناسایی یا ورشکستگی یکی از آن‌ها خللی به حقوق زیان‌دیده وارد نکند.

همچنین مقررات مذکور در مقابل زیان‌های وارد مسؤول شناخت؛ زیرا توزیع‌کننده نیز در واقع فروشنده کالا محسوب می‌شود و در صورتی که احراز شود نامبرده با علم به وجود عیب، کالا را وارد شبکه توزیع کرده یا سایر تعهدات خود، مانند تعهد به اطلاع‌رسانی که در جلوگیری یا کاهش خسارت مؤثر است را نقض کرده، نباید در مسؤولیت او تردید کرد.

رویه قضایی فرانسه قبل از پذیرش دستورالعمل اتحادیه اروپایی نیز فروشنده و توزیع‌کننده را براساس ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی، مسؤول مستقل زیان وارد می‌دانست.^۱ این امر فرایند دادرسی را به نحو قابل قبولی کوتاه می‌کرد و موجب تسهیل شناسایی خواننده دعوا می‌شد. علاوه بر این، در جهت اثبات و توجیه مسؤولیت غیر قراردادی نیز می‌توان این‌گونه استدلال کرد که هر توزیع‌کننده حرفه‌ای باید کلیه جوانب امر و احتیاطات لازم را رعایت و به‌گونه‌ای عمل کند تا خطری ایجاد نشود و در صورتی که امکان بروز خطر وجود دارد باید با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از ورود یا تشدید خطر جلوگیری کند. به‌عنوان مثال در صورت اطلاع از وجود نقص در کالا، او باید مراتب را به اطلاع مقامات صلاحیتدار برساند و نهایت همکاری را به منظور جلوگیری از گسترش خسارت به عمل آورد؛ زیرا براساس اصل احتیاط،^۲ فروشنده حرفه‌ای مکلف است در صورت تردید در سلامت کالا، یا آگاهی از عیوب احتمالی، عرضه را متوقف و اقدامات لازم را از قبیل اطلاع‌رسانی به شبکه توزیع و جمع‌آوری آن پیش از ورود زیان انجام دهد.

خط‌مشی حقوق فرانسه که تحت تأثیر رویه قضایی آن کشور شکل گرفته بود سخت‌گیری بیشتری نسبت به دستورالعمل اتحادیه اروپایی از این حیث از خود نشان می‌داد؛ زیرا قانون مدنی در ماده ۶-۱۳۸۶ صراحتاً توزیع‌کننده را در ردیف تولیدکننده قرار داده بود و بدین ترتیب کلیه اشخاصی را که به‌عنوان «حرفه‌ای» نام یا علامت تجاری خود را

۱. این ماده مقرر می‌دارد:

« Les conventions obligent non seulement à ce qui y est exprimé, mais encore à toutes les suites que l'équité, l'usage ou la loi donnent à l'obligation d'après sa nature ».

2. le principe de précaution

بر روی کالا درج می‌کردند و نیز کلیه افرادی که تحت یکی از اشکال پیش‌بینی شده کالایی را به بازار اتحادیه اروپا وارد می‌کردند تولیدکننده محسوب می‌کرد.

ماده ۷-۱۳۸۶ قانون مدنی نیز با تسری مسؤلیت تولیدکننده به سایر حرفه‌ای‌ها، توزیع‌کننده را در ردیف تولیدکننده قرار داده بود. این ماده مقرر می‌داشت که «فروشنده ... یا هر تهیه‌کننده حرفه‌ای دیگر، براساس همان شرایط تولیدکننده، مسؤول نقص ایمنی کالا است»؛ حال آن‌که به موجب بند ۳ ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه، توزیع‌کننده در صورت عدم شناسایی تولیدکننده مسؤولیت داشت. مغایرت یاد شده منتهی به محکومیت فرانسه توسط دیوان دادگستری اتحادیه و اصلاح ماده یاد شده در سال ۲۰۰۶ گردید. بر این اساس، اشخاصی مانند تهیه‌کننده، توزیع‌کننده، فروشنده و ماجر که در حکم تولیدکننده هستند، زمانی مسؤولیت دارند که هویت تولیدکننده مشخص نباشد.^۱ در این فرض، عرضه‌کنندگان متعهد هستند ظرف سه ماه هویت تولیدکننده یا فروشنده ماقبل خود را اعلام کند والا شخصاً در مقابل زیان‌دیده مسؤول خواهند بود.

البته مسؤولیت توزیع‌کننده پیش از اصلاح قانون مدنی، در قوانین متعدد مورد تأکید قرار گرفته بود. از جمله می‌توان به قانون مربوط به ایمنی مصرف‌کنندگان (مصوب ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳) و مواد L 221-1 تا L 225-1 از قانون مصرف مصوب سال ۱۹۹۵ اشاره کرد.

اتحادیه اروپا نیز در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲ دستورالعملی را درخصوص «ایمنی کلی محصولات» تصویب و تأکید کرد که تمامی کالاهایی که وارد آن بازار می‌شوند باید عاری از خطر باشند. این مقرره توزیع‌کننده کالا را به‌عنوان یکی از بدهکاران تعهد ایمنی قلمداد، ولی او را صرفاً به رعایت اصل احتیاط موظف کرد.

۴. ضمانت اجرای نقض تعهد

بی‌شک هدف از ایفای تعهد ایمنی، حفظ حقوق مالی و تمامیت جسمانی اشخاص است و

برحسب نتیجه‌ای که از عدم ایفای آن حاصل می‌شود ممکن است با ضمانت اجراهای متفاوتی مواجه شود. همان‌گونه که اجرای تعهد منتهی به سقوط آن و رهایی متعهد می‌شود، عدم اجرای صحیح آن نیز برحسب نتایج حاصل دارای ضمانت اجرای مدنی یا جزایی خواهد بود. در این مجال، آثار عدم ایفای تعهد ایمنی را در دو فرض مزبور بررسی می‌کنیم.

۴-۱. ضمانت اجرای مدنی

در صورت ورود خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد ایمنی، زیان‌دیده می‌تواند خسارت خود را از متعهد مطالبه کند. مسؤلیت نوعی ناشی از عیب تولید، سازنده را مسؤول جبران خسارات ناشی از کالای معیوب می‌داند.^۱ هرچند زیان‌دیده معاف از اثبات تقصیر خوانده است، ولی اجرای قواعد کلی مسؤولیت مدنی همچنان اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا خواهان باید عیب کالا، ورود خسارت و رابطه سببیت میان آن دو را اثبات کند.

هرچند تبیین هدف، مبنا [۲۱، ص ۳۱۸ و بعد] و شرایط کلی مسؤولیت مدنی از بحث ما خارج است، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اول این‌که در حقوق فرانسه «کالایی که ایمنی مورد انتظار مشروع مصرف‌کننده را تأمین نکند معیوب است»^۲. از این منظر، ضابطه تشخیص سلامت کالا، تأمین امنیت مصرف‌کننده است که ممکن است براساس شرایط و اوضاع و احوال حاکم، نحوه استفاده، ارائه اطلاعات^۳، توصیه‌ها و هشدارهای [۲۰]^۴ ضروری متفاوت باشد. بنابراین ممکن است وصف خطرناک محصول ناشی از

۱. در حقوق فرانسه علل رافع مسؤولیت تولیدکننده در ماده ۱۱-۱۳۸۶ پیش‌بینی شده و نباید این نوع مسؤولیت را با مسؤولیت مطلق اشتباه گرفت.

۲. ماده ۴-۱۳۸۶ ق.م.

۳. در پرونده دیگری دیوان عالی کشور فرانسه به جهت این‌که برشور تنظیمی دارو دربرگیرنده کلیه اطلاعات ذکر شده در فرهنگ پزشکی ویدال درخصوص شدت عوارض دارو نبود، واقعیات پرونده را کافی برای محکومیت تولیدکننده دانست [۲۰]. 1eCiv., 9 juillet 2009, pourvoi° 08-11.073.

4. 1eCiv., 25 juin 2009, pourvois n° 08-12.632.



طبیعت آن باشد که هیچ ارتباطی به نحوه ساخت و طراحی ندارد. در این صورت فقط اطلاع‌رسانی درست و دادن هشدار متناسب با خطرهای قابل پیش‌بینی می‌تواند ضریب ایمنی کالا را افزایش دهد و یا حتی، «تولیدکننده به رغم رعایت کلیه استانداردهای موجود در ساخت و اخذ مجوزهای اداری [عرضه] محصول، مسئول عیوب کالا تلقی شود».^۱ همچنین ممکن است بی‌عیبی محصولاتی نظیر دارو، واکسن و فرآورده‌های خونی براساس ضابطه منفعت - ریسک ارزیابی شود؛ [۲۰]^۲ بدین معنا که با در نظر گرفتن مجموع فواید و زیان‌های ناشی از استفاده، زمانی می‌توان آن‌ها را بی‌عیب تلقی کرد که فایده آن‌ها بیش‌تر از مضراتشان باشد.

سؤالی که ممکن است در این‌جا مطرح شود این است که ارزیابی منفعت - ریسک، اطلاع‌رسانی درخصوص کالا و هشدار در مورد مخاطرات آن، باید بر مبنای یافته‌ها و اطلاعات چه زمانی به عمل آید. به عبارت دیگر آیا سازنده ضامن خطرهای شناخته شده در زمان عرضه است یا ارائه اطلاعات در مورد خطرهایی که بعدها کشف می‌شود نیز به عهده او است. قوانین حاکم در نظام حقوقی ما در این خصوص ساکت است؛ ولی در حقوق فرانسه، علاوه بر وجود تأسیس مرور زمان، رویه قضایی نیز در آرای متعدد، وضعیت حاکم در زمان خروج کالا از خط تولید و ورود به چرخه عرضه را مبنای ارزیابی قرار داده است [۲۰]^۳. لازم به توضیح است که با در نظر گرفتن قانون حاکم براساس تاریخ پیوستن فرانسه به دستورالعمل اتحادیه اروپا^۴، خواهان می‌تواند براساس نظریه تقصیر نیز طرح دعوا کند. در این فرض، سازنده به جهت نقض تعهد دیگری، اعم از

۱. ماده ۱۰-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه

2. 1erCiv, 22 nov. 2007, Bull. civ.I, n° 366.

3. 1erCiv., 7 mars 2006, pourvoi n° 04-16.170.

۴. سه دوره برای تشخیص قانون حاکم و نظام مسئولیت عیب تولید در فرانسه وجود دارد: ۱- پیش از تصویب دستورالعمل اتحادیه اروپا در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر قواعد عمومی و شناخت و گسترش تعهد ایمنی توسط رویه قضایی؛ ۲- از تاریخ مذکور تا ۱۹ می ۱۹۹۸ (زمان اصلاح قانون مدنی مسئولیت نوعی) مبتنی بر رویه قضایی با الهام از دستورالعمل اتحادیه؛ ۳- پس از آن براساس مسئولیت مدنی نوعی قانونی (مواد ۱۳۸۶-۱ و بعد قانون مدنی).

این‌که دارای منشأ قراردادی باشد یا خیر، مسئولیت دارد. دیوان عالی، در پرونده داریو دستیلبن^۱ خوانده را براساس مسئولیت مبتنی بر تقصیر و به جهت نقض تعهد مراقبت^۲ و اصل احتیاط^۳ به جبران خسارت خواهان محکوم و استدلال کرد که یافته‌های علمی به دست آمده در سال‌های پس از عرضه دارو، زیان‌های ناشی از استفاده دارو را اثبات و فواید آن را با تردید مواجه ساخته و تولیدکننده باید به آن‌ها توجه و توزیع دارو را متوقف می‌کرد. لازم به ذکر است که این دارو برای جلوگیری از زایمان زودهنگام مادر خواهان، پیش از تولد او تجویز که باعث اختلالات هورمونی در رشد وی در دوران جنینی شده بود [۲۰]⁴.

نکته دیگر این‌که به رغم تلاش‌های قابل توجه در تدوین لایحه، ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، نتوانست خود را از قید و بندهای قراردادی و نظریه تقصیر رهایی بخشد. به موجب این ماده، در صورت نقض تعهد از جانب تولیدکننده، مشتری حق دارد حسب مورد معامله را فسخ کند یا ارزش بگیرد. بدیهی است که حق فسخ نمی‌تواند ضمانت اجرای مناسبی برای عدم ایفای تعهد ایمنی باشد.

وانگهی نگارش ناشیانه ماده ۱۸ قانون مزبور در بیان ضمانت اجرای نقض تعهد ایمنی، امکان پذیرش مسئولیت نوعی عرضه‌کننده را با تردید جدی مواجه می‌کند؛ زیرا به موجب آن، چنانچه کالای عرضه شده معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف علاوه بر جبران خسارات، به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد.

براساس ظاهر عبارات و تفسیر لفظی، ماده یاد شده فقط متخلف مسؤول جبران خسارات وارد است و بنابراین، زیان‌دیده علاوه بر ورود خسارات و عیب کالا و رابطه سببیت میان آن دو، باید تخلف خوانده را نیز اثبات کند، ولی به دلایل متعدد نباید به این

1. Distilbène
2. L'obligation de vigilance the vigilance obligation
3. Le principe de précaution
4. 1^{er} rCiv., 22 mai 2008, pourvoi n° 06-14.952 .



ظاهر فریبنده اعتماد کرد و دچار چنین تردیدی شد؛ زیرا پیشینه امر حکایت از این دارد که چنین هدفی مدنظر طراحان قانون یاد شده نبوده و با هدف قانون و شعار حمایت از مصرف‌کننده مطابقت ندارد. همچنین مقام تصویب ماده یاد شده، به قرینه این که در فصل پنجم مربوط به جرمه‌ها و مجازات آمده است، بیان شرایط و میزان کیفر است، نه تعیین شرایط جبران خسارت.

وانگهی این برداشت با مواد دیگر این قانون، به‌ویژه ماده ۲ آن و همچنین با ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو که عرضه‌کننده را در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نقصی که مانع استفاده مطلوب از خودرو یا منافی ایمنی آن باشد می‌داند مغایرت دارد و براساس قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» برای رفع تعارض، باید همه آن‌ها را قابل اعمال دانست و پذیرفت که در هر دو قانون، جبران خسارت نیاز به اثبات تقصیر خوانده ندارد.

با عنایت به آنچه گفته شد، با فرض پذیرش این مطلب که تولیدکننده صرفاً مجاز به عرضه کالایی است که ایمنی مورد انتظار مصرف‌کننده را تأمین، و با استانداردهای اعلامی مطابقت داشته باشد، باید به طریق اولی پذیرفت که در صورت وجود رابطه قراردادی، اراده طرفین بر این امر استوار است که کالای خریداری شده منشأ ورود زیان غیرمتعارف نگردد؛ زیرا پسندیده نیست کسی بابت چیزی که به او زیان می‌رساند وجه پرداخت کند.

اما درخصوص مبنای دعوای مسؤولیت، باید پذیرفت که خواهان در انتخاب آن آزاد است و می‌تواند براساس ضمان قهری یا قراردادی یا حتی نظریه تقصیر اقدام کند. در حقوق فرانسه دکترین [۲۲، ص ۷۸] و رویه قضایی [۲۰] ^۱ محدود کردن تعهد ایمنی را به طرفین عقد، با عنایت به وسعت دامنه و هدف آن، موجه نمی‌داند. بر این اساس، اشخاص ثالث نیز می‌توانند مانند اصیل به تقصیر قراردادی استناد کنند. به‌عنوان مثال، در قرارداد تنظیمی بین سازنده دستگاه رادیوگرافی و یک مؤسسه تصویربرداری پزشکی، سازنده

1. 1 er Civ., 9 juillet 2009, pourvoi n° 08-11.073.

متعهد می‌گردد تا دستگاه را به گونه‌ای طراحی و تولید کند که اشعه به کار گرفته شده در آن برای بیماران و کارکنان آن مؤسسه خطرناک نباشد. تأیید رأی پژوهش‌خواسته در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۹۳ مبنی بر مسئولیت تولیدکننده فشنگی که خریدار به برادر خود هدیه داده بود در پیروی از این دیدگاه است.

۴-۲. ضمانت اجرای کیفری

به اجمال بیان شد که هدف اصلی از الزام افراد به رعایت احتیاط، پیشگیری از ایجاد محیط خطرناک است. حتی بر فرض عدم وجود تعهد قراردادی، نباید رفتار کسی موجب آسیب دیگران شود. زندگی در اجتماع ایجاب می‌کند که همگان اعتدال پیشه و حقوق خود را به نحو متعارف استیفا کنند تا خسارتی وارد نشود. اگرچه کارکرد جبرانی مسئولیت مدنی بر جنبه پیشگیرانه آن غلبه دارد و هدف از اعمال مجازات، اصلاح رفتار ضد اجتماعی است، نباید از جنبه‌های حمایتی آن‌ها غافل بود.

بدون تردید تعهدات قراردادی در اغلب موارد فاقد ضمانت اجرای کیفری هستند و طرفین در تنظیم روابط خود آزادی عمل دارند، مگر این‌که توافق آنان مخالف قانون یا اخلاق حسنه باشد. ولی عدم ایفای برخی تعهدات، برحسب این‌که کدامیک از حقوق را نقض می‌کند، دارای ضمانت اجراهای متفاوتی است. با استقرا در متون قانونی، به نظر می‌رسد که در هر دو نظام حقوقی، نسبت به عدم ایفای تعهداتی که منتهی به صدمات بدنی می‌شود، حساسیت بیش‌تری وجود دارد. لذا در این فرض، قانونگذار برای پیشگیری از ورود صدمه و در موارد دیگر مثل ایجاد محیط خطرناک، بدون اشاره به نتیجه حاصل، صرف نقض تعهد ایمنی را جرم تلقی کرده است. پس هرگاه تولیدکننده در تولید کالای خود بی‌احتیاطی، و کالایی تولید کند که در اثر عیب آن صدمه‌ای به بار آید، نباید در مسئولیت کیفری او تردید کرد.

لازم به ذکر است که ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت مربوط به امری را که منتهی به قتل یا سایر صدمات می‌شد



شبه‌عمد تلقی و زیان‌دیده را مستحق دریافت دیه می‌دانست. با اصلاح قانون یاد شده در سال ۱۳۹۲ ماده مرقوم حذف شد. در حال حاضر، ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ صرفاً قتل غیر عمدی ناشی از موارد یاد شده را مستوجب مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت دیه می‌داند و سایر صدمات را در بر نمی‌گیرد. به رغم این‌که بی‌احتیاطی در انجام امری در سایر قوانین نیز دارای مجازات است^۱، ولی خلأ یاد شده همچنان باقی است.

آنچه به بحث ما ارتباط پیدا می‌کند، تولید کالایی است که براساس استانداردهای حاکم تولید نشده باشد. در این خصوص ماده ۱۴ از قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱ با اصلاحات بعدی به‌روشنی به این موضوع اشاره کرده است.

در حقوق فرانسه نیز قانونگذار در برخی موارد، عدم ایفای تعهد ایمنی توسط حرفه‌ای‌ها را مستوجب تعقیب کیفری دانسته، به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد تا ضمن تعقیب متعهد، خسارات خود را در مرجع کیفری مطالبه کند. به‌عنوان نمونه ماده ۳۱۹ قانون جزایی سابق فرانسه افرادی را که به جهت عدم مهارت، بی‌احتیاطی، بی‌توجهی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت مقررات مربوط به امری، مرتکب قتل می‌شدند یا به طور غیرعمدی موجبات آن را فراهم می‌آوردند مجرم می‌دانست. علاوه بر این، در مواد ۳۲۰ و ۴۰ قانون جزا به مواردی که فقدان مهارت یا بی‌احتیاطی در امری، منتهی به صدمات بدنی یا قطع عضو، یا بیماری منتهی به از کارافتادگی گردد اشاره شده است.

در اصلاحات انجام شده، در ماده ۶-۲۲۱ قانون جزا همان اصطلاحات «عدم مهارت» و «بی‌احتیاطی» تکرار شده، لکن به جای عبارت «عدم رعایت مقررات» عبارت رسای «عدم اجرای تعهد ایمنی پیش‌بینی شده به وسیله قانون یا مقررات» به کار رفته است. همچنین قانون ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ نیز در تعریف بزه غیرعمدی عبارت «عدم اجرای عمدی تعهد ایمنی

۱. به‌عنوان مثال موارد مذکور در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی و سایر قوانین مشابه.

یا عدم رعایت احتیاط پیش‌بینی شده در موارد خاص به وسیله قانون» به کار رفته است تا بدین نحو به جای ذکر مصادیق بی‌احتیاطی، عدم ایفای تعهد ایمنی واجد وصف کیفری باشد.

علاوه بر این، در ماده ۶-۲۲۱ قانون جزا، به صدمات غیر عمدی وارد به حق حیات افراد و در ماده ۳-۲۲۱، به در معرض خطر قرار دادن اشخاص به جهت عدم رعایت تعهد ایمنی پیش‌بینی شده به وسیله قانون، اشاره شده است.

اصلاحات انجام شده در قانون مجازات فرانسه که به زیاندیدگان محصولات معیوب حق تعقیب کیفری تولیدکنندگانی را می‌دهد که تعهد ایمنی پیش‌بینی شده به وسیله قانون را نقض کرده‌اند، اقدامی درخور تحسین است که جای آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است.

در این فرض زیان‌دیده مختار است به منظور جبران خسارات وارد، یکی از دو مرجع کیفری یا مدنی را انتخاب کند. البته مراجعه به محاکم جزایی از حیث این‌که نسبت به محاکم مدنی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر است ارجح است. به علاوه، مؤسسات حمایت‌کننده از حقوق مصرف‌کنندگان می‌توانند دعاوی حقوقی خود را ضمن رسیدگی به امر جزایی در نزد محاکم کیفری مطرح کنند.

۵. نتیجه‌گیری

در حقوق فرانسه براساس مقررات حاکم، کالایی که ایمنی مورد انتظار مشروع مصرف‌کننده را در صورت استفاده متعارف، تأمین نکند معیوب تلقی می‌گردد. در حقوق ما به رغم تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵) و قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو (مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۳) برداشت روشنی از تعهد ایمنی آن‌گونه که در حقوق فرانسه به‌عنوان تعهدی مستقل و به نتیجه مورد شناسایی قرار گرفته است وجود ندارد. در نتیجه، جبران خسارات ناشی از نقض تعهد ایمنی با



پیچیدگی‌ها و مشکلاتی همراه است.

علت این است که در حقوق ما جبران صدمات بدنی مستلزم پرداخت دیه یا ارش است و بر همین اساس، نقض تعهد ایمنی در فرضی که منتهی به آسیبی شود، به استثنای مواردی که دارای مجازات خاص است^۱، زمانی موجب ضمان است که فعل زیانبار مشمول یکی از عناوین مجرمانه عمد و شبه‌عمد یا خطای محض باشد. درخصوص خسارات مالی نیز باید به قاعده اتلاف و تسبیب تمسک جست. بدون شک هیچ‌یک از این دو طریق نمی‌تواند ایمنی مصرف‌کننده را در مقابل کالای معیوب تضمین کند.

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز بدون توجه به ارتباط ماهوی بین مفاهیم عیب و ایمنی، به وصف محصول که امری درونی، یا به توانایی متعهد که امری شخصی است اشاره کرده و بدون استفاده از یک تحلیل منطقی از این رابطه، معیار تشخیص محصول معیوب را بر یک نگاه خرد و درون‌گرا به خود محصول استوار کرده است؛ زیرا این قانون با الهام از مفهوم سنتی عیب، آن را زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی می‌داند که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد، حال آن‌که معلوم نیست زیادتی یا نقصان کالا نسبت به چه چیزی باید محاسبه شود. علاوه بر این، کاهش قیمت یکی از نتایج عیب است و سایر عوارض عیب مغفول مانده است. وانگهی برخی از محصولات صنعتی، علیرغم نداشتن زیاده و نقیصه، به جهت نتایج زیانبارشان و برخلاف ضابطه یاد شده، معیوب تلقی می‌شوند. بنابراین به منظور تأمین سلامت مصرف‌کننده، باید به دنبال برداشتی کلان و ضابطه‌ای نوعی بود و پذیرفت که کالایی که صرف‌نظر از ارزش اقتصادی آن، نتواند ایمنی مشروع و مورد انتظار هر مصرف‌کننده‌ای را برآورده کند معیوب است. در این صورت، سلامت کالا و وصف کمال محصول نیست تا بتوان آن را براساس ارزش اقتصادی سنجید.

۱. جرائم مذکور در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و موارد مشابه.

۶. پیشنهادها

با در نظر گرفتن مطالب یاد شده، به رغم تلاش‌هایی که صورت گرفته و با وجود حصول برخی نکات مثبت، قوانین موجود نمی‌توانند به شایستگی ایمنی مصرف‌کننده را به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود تضمین کنند. بنابراین، انجام برخی اصلاحات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ضروری است که به مهم‌ترین آن‌ها که با حق دسترسی به کالای سالم و ایمنی مصرف‌کننده ارتباط دارد اشاره می‌شود.

۱. در ماده ۲ بهتر است تا کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، به جای مسئولیت مشترک، متضامناً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده باشند.

۲. بند ۱-۲ از ماده ۱ به‌گونه‌ای تنظیم شود تا مسئولیت نهایی برعهده تولیدکننده مستقر گردد و مسئولیت فروشنده نهایی منوط به عدم توانایی او به معرفی تولیدکننده یا عرضه‌کننده به او باشد. همچنین به مسئولیت دارندگان علائم تجاری، که نه تولیدکننده و نه توزیع‌کننده هستند، ولی نام یا علامت تجاری آن‌ها روی محصول درج شده، است، اشاره شود.

۳. در بند ۴ از ماده ۱ در تعریف عیب، ضابطه ایمنی مصرف‌کننده مبنا محسوب و تصریح شود که کالایی که ایمنی مورد انتظار معقول و متعارف مصرف‌کننده را تأمین نکند معیوب تلقی می‌شود.

۴. ماده ۱۸ به‌گونه‌ای اصلاح شود که در آن جبران خسارت ناشی از عیب کالا منوط به احراز تخلف تولیدکننده نباشد.

۵. در تعریف بزه غیرعمدی به جای اشاره به عبارات بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت مقررات که جنبه شخصی دارد به ضابطه نوعی «عدم ایفای تعهد ایمنی پیش‌بینی شده به وسیله قانون» اشاره شود و در «معرض خطر قرار دادن اشخاص» نیز جرم تلقی شود تا صرف عرضه آگاهانه کالاهای خطرناک و محصولات تقلبی در صورت عدم ورود صدمات بدنی، قابل تعقیب باشد.



۷. منابع و مأخذ

- [۱] کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- [2] J.GARNIER « *De l'arrêt Teffaine aux arrêts Jand'heur* », La responsabilité du fait des choses, réflexion autour d'un centenaire, Economica, 1997.
- [3] M. PLANIOL, G. RIPERT et J. BOULANGER, *Traité élémentaire de droit civil*, t, II, Paris, Librairie Cotillon, 1900 3^e.
- [4] *Recueil Dalloz*, 1913, I, p.249.
- [5] L.Bihl, «*Vers un droit de la consommation*», Gaz. Pal. 13-14 sept. 1974.
- [6] Jaen Calais Auloy, *droit de la consommation*, 6^{em} éd,dalloz, 2003.
- [7] www.juristudiant.com
- [8] J.C.P.G., 1956, II, 9095. D., 1957.
- [9] G. Viney J.C.P., 1976, 18479.
- [10] G.Coffinet-Frétigny, *L'indemnisation des dommages causés par une chose en matière contractuelle*, Thèse, université Reims, 2008.
- [11] Resp. civile et Ass., 2006, n° 6, n° 200, p. 24.
- [۱۲] کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی*، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- [13] L.Moreillon, *Mélanges en l'honneur de Bernard Dutoit*, Genève, Librairie Droz, Contiene, 2002.
- [14] Ph. Delebecque, « *La dispersion des obligations de sécurité dans les contrats spéciaux* », Gaz. Pal., 1997, doct., p. 1184 et s., spéc. p. 1184.
- [15] P. Grosser, note sous Civ., 1^{er}, 13 mars 2008, J.C.P., 2008, II, 10085.
- [16] R. DEMOGUE, *Traité des obligations en général*, t.V, Paris, 1925.
- [17] H. MAZEAUD, « *Essai de classification des obligations* », RTD Civ., 1936, p. 1.

- [18] A. TUNC, « *La distinction des obligations de résultat et des obligations de moyens* », JCP, 1945, I, 449.
- [19] H.L. MAZEAUD, *Traité théorique et pratique de la responsabilité civile*, 3^e éd., t. 1.
- [20] 1er Civ. 20 octobre 1964, n°62-10. 999.
- [21] www.courdecassation.fr.
- [۲۱] بادی‌نی، حسن، *فلسفه مسؤولیت مدنی*، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۸۴.
- [22] J. Ghestin «*sécurité des consommateurs et responsabilité du fait des produits défectueux*», Colloque⁶⁻⁷ nov., 1986.